



مراد از حرکت سیر و سلوک باطنی برای رسیدن به قرب الهی است

اگر دنبال معرفت و تربیت خود باشیم ما در مسیر درستی قرار داریم اما اگر مانند اهل ظاهر حرکت نکنیم و بنشینیم و فقط درباره راه بحث کنیم، البته به جایی نمی‌رسیم.

اگر دنبال معرفت و تربیت خود باشیم ما در مسیر درستی قرار داریم اما اگر مانند اهل ظاهر حرکت نکنیم و بنشینیم و فقط درباره راه بحث کنیم، البته به جایی نمی‌رسیم.

به گزارش خبرنگار مهر، شیخ اشراق حکیم شهاب الدین سهروردی در رساله عقل سرخ می‌گوید: گفتم: راه از کدام جانب است؟ گفت: از هر طرف که بروی، اگر راه روی راه بری. سعدی هم می‌گوید: به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل / و گر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم. حافظ هم می‌فرماید: تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافریست / راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش. آیا فقط توکل و حرکت مهم ترین رکن برای رسیدن به حقیقت است؟ راه چقدر مهم است و ...؟ محمد فناپی اشکوری استاد فلسفه و عرفان اسلامی در پاسخ به این سوال گفت: روشن است که مراد از راه رفتن در این مقام رفتن از مکانی به مکان دیگر نیست، بلکه مراد سیر و سلوک باطنی برای رسیدن به قرب الهی است.

وی افزود: نکته ای که باید توجه داشت این است که برای فهمیدن پاسخ، توجه به سوال و ظرف و شرایط مهم است. ممکن است منظور سوال کننده این باشد که مثلاً از میان سلسله های گوناگون فرق صوفیه و اهل عرفان کدام درست است؟ پاسخ شیخ اشراق این است که آنچه مهم است رفتن است، و بین این فرقه ها چندان تفاوت جدی نیست.

فناپی اشکوری تصریح کرد: این سلوک و رفتن نیز عبارت است از معرفت و خودسازی یا علم و عمل. اگر تفکر کنیم و خودسازی کنیم، راه درست را خواهیم یافت و به مقصد خواهیم رسید. «الذین جاهدو فینا لنهیدنهم سبلنا» کسانی که در راه خدا با نفس خود مجاهده کنند خداوند راه هدایت را نشان شأن خواهد داد.

وی تأکید کرد: پس اگر دنبال معرفت و تربیت خود باشیم ما در مسیر درستی قرار داریم و نگرانی نخواهیم داشت، اما اگر مانند اهل ظاهر حرکت نکنیم و بنشینیم و فقط درباره راه بحث کنیم، البته به جایی نمی‌رسیم.

این استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: سعدی هم در مقام تأکید بر عمل است. می‌خواهد بگوید حتی اگر در بیابانی باشیم که راه و سمت مقصد را ندانیم باز حرکت کردن بهتر از نشستن است، چون وقتی به یک جهتی می‌رویم امکان اینکه از یک آبادی سر در بیاوریم هست. اما اگر به بهانه ندانستن راه بنشینیم و حرکتی نکنیم قطعاً هلاک خواهیم شد.

وی با اشاره به اینکه اما سخن حافظ دارای نکته دیگری است، گفت: حافظ می‌گوید حتی در جایی که راه را درست می‌دانیم و از پیچ و خم و خطرات آن آگاهیم و قدرت طی کردن آن را هم داریم، نباید به علم و قدرت خود بسنده کنیم و خود را بی نیاز از هدایت و امداد الهی بدانیم. دانش و توان ما محدود است و بدون عنایت الهی کاری نمی‌توان از پیش برد. از این رو در هر کاری علاوه بر علم و دانش و طرح و نقشه و هر آنچه در امکان داریم، به توکل نیاز داریم. حافظ نمی‌گوید فقط توکل کافی است، بلکه توکل هم در کنار اقدامات خودمان لازم است. هم کوشش این سوئی لازم است، هم کشش آن سوئی. در سلوک وادی قرب امداد الهی همواره روزیتان باد.